

سوره شعراء (۲۶)

مکی و شامل دویست و بیست و هفت آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

طسم. (۱)

این آیات کتاب روشن است. (۲)

شاید خودت را به خاطر این که مردم ایمان نمی آورند، هلاک کنی. (۳)
اگر بخواهیم آیه ای از آسمان نازل می کنیم که گردن هایشان در برابر آن از تواضع خم شود. (۴)
هیچ تذکر جدیدی از طرف خدا برای آن ها نیامد مگر این که از آن روگردانند. (۵)
گفتند: این حرف دروغ است. خبر چیزی که مورد تمسخر آنان قرار می گرفت، برایشان خواهد آمد. (۶)

آیا به زمین نگاه نکردند که انواع گیاهان سودمند در آن رویانده ایم؟ (۷)
یقیناً در این کار نشانه ای وجود دارد، ولی بیشتر آن ها ایمان نمی آورند. (۸)
براستی خداوند تو قدرتمند و مهربان است. (۹)
وقتی که خدا به موسی گفت: پیش قوم ستمکار، قوم فرعون، برو و بگو: آیا از کارهای خلاف و عذاب خدا نمی ترسند؟ (۱۰ و ۱۱)

موسی گفت: خدایا، می ترسم حرف مرا قبول نکنند. (۱۲)
و دلتنگ شوم، و زبانم گیر کند. این مأموریت را به هارون بده. (۱۳)
گناهی به گردن من دارند و می ترسم مرا بکشند. (۱۴)
خدا گفت: این طور نیست، تو و هارون آیات مرا پیش فرعون ببرید، ما با شما ایم و به حرف های شما گوش می دهیم. (۱۵)

پیش فرعون بروید و بگویید: ما فرستاده خدای جهانیان هستیم. (۱۶)
و مأموریم که بنی اسرائیل را با ما بفرستی. (۱۷)
چون پیش فرعون رفتند، فرعون گفت: آیا وقتی بچه بودی ما تو را بین خودمان بزرگ نکردیم؟
و سال ها عمرت را بین ما نبود؟ (۱۸)

و جنایتی را که کردی، کردی (آدم کشتی)، تو نمک شناسی. (۱۹)
موسی گفت: وقتی من گمراه بودم آن کار را کردم. (۲۰)
و چون ترسیدم از پیش شما فرار کردم. سپس خدا به من حکم داد و مرا رسول خود ساخت. (۲۱)
نعمتی که منت آن را بر من می گذاری این است که بنی اسرائیل را برده خود ساخته ای. (۲۲)

فرعون گفت: صاحب اختیار مردم جهان چه کسی است؟ (۲۳)
موسی گفت: اگر یقین داشته باشید، (خدا) صاحب اختیار آسمان ها و زمین و تمام چیزهایی است
که بین آن ها وجود دارد. (۲۴)

فرعون به اطرافیانش گفت: آیا نمی شنوید؟ (که چه حرف هایی می زند). (۲۵)
موسی (در ادامه صحبتش) گفت: صاحب اختیار شما و نیاکان شما. (۲۶)
فرعون گفت: این پیغمبری که پیش شما فرستاده شده، دیوانه است. (۲۷)

موسی گفت: اگر عقل دارید، خدا صاحب‌اختیار مشرق و مغرب و هر چه بین آن‌هاست می‌باشد. (۲۸)

فرعون گفت: اگر معبودی غیر از من بگیری تو را زندانی می‌کنم. (۲۹)

موسی گفت: اگر چه معجزه آشکاری برایت بیاورم؟ (۳۰)

فرعون گفت: اگر راستگویی بیاور. (۳۱)

موسی عصایش را انداخت، ناگهان مار بزرگی شد. (۳۲)

و دستش را از گریبان خارج کرد و در مقابل چشم بینندگان سفید شد. (۳۳)

فرعون به بزرگان اطرافش گفت: واقعاً این ساحر دانایی است. (۳۴)

می‌خواهد با جادویش شما را از سرزمینتان بیرون کند، شما چه می‌فرمایید؟ (۳۵)

گفتند: مدتی به او و برادرش مهلت بده، و عده‌ای را به شهرها بفرست تا جادوگران را جمع کنند. (۳۶)

هر جادوگر زبردستی را پیش تو بیاورند. (۳۷)

جادوگران در روز و محل معین جمع‌آوری شدند. (۳۸)

به مردم گفته شد: آیا شما هم جمع می‌شوید؟ (۳۹)

تا اگر جادوگران پیروز شدند، ما از آن‌ها پیروی کنیم. (۴۰)

چون جادوگران آمدند، به فرعون گفتند: اگر غلبه کنیم، آیا مزدی داریم؟ (۴۱)

فرعون گفت: آری، در آن صورت شما از مقربان درگاه خواهید بود. (۴۲)

موسی به جادوگران گفت: آنچه را می‌خواهید بیاندازید، بیاندازید. (۴۳)

جادوگران طناب‌ها و عصاهایشان را انداختند و گفتند: به عزت فرعون قسم ما پیروز می‌شویم. (۴۴)

پس موسی عصایش را انداخت که ناگهان تمام وسایل آن‌ها را بلعید. (۴۵)

در نتیجه جادوگران به سجده افتادند. (۴۶)

و گفتند: ما به صاحب‌اختیار جهانیان ایمان آوردیم. (۴۷)

صاحب‌اختیار موسی و هارون. (۴۸)

فرعون به آن‌ها گفت: آیا قبل از این‌که به شما اجازه بدهم به او ایمان آوردید؟ موسی استاد بزرگ

شما است که به شما جادوگری آموخته. نتیجه کار خود را خواهید فهمید. دست و پایتان را بر

خلاف هم می‌برم و همه شما را به دار می‌زنم. (۴۹)

جادوگران گفتند: اشکالی ندارد، ما پیش خدایمان برمی‌گردیم. (۵۰)

ما امیدواریم که خدایمان گناهان ما را ببخشد، چون اولین افرادی هستیم که ایمان می‌آوریم. (۵۱)

به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه حرکت بده، چون شما تعقیب می‌شوید. (۵۲)

فرعون مأموران خود را برای جمع‌کردن نیرو به شهرها فرستاد. (۵۳)

و گفت: این‌ها عده کمی هستند. (۵۴)

این‌ها باعث خشم ما شده‌اند. (۵۵)

ولی ما آماده و محتاط هستیم. (۵۶)

ما فرعونیان را از باغ‌ها و چشمه‌ها و از گنج‌ها و خانه‌های پرارزش خارج کردیم. (۵۷ و ۵۸)

به این ترتیب آن را به بنی اسرائیل واگذار کردیم. (۵۹)
آن‌ها موقع طلوع آفتاب به تعقیب بنی اسرائیل پرداختند. (۶۰)
وقتی دو گروه همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: ما دستگیر شدیم. (۶۱)
موسی گفت: این‌طور نیست، خدای من با من است و راه را به من نشان می‌دهد. (۶۲)
ما به موسی وحی کردیم که با عصایت به دریا بزن، چون زد، دریا شکافت و هر طرف مثل کوه بزرگی شد. (۶۳)

و سپاه فرعون را در آنجا به آن‌ها نزدیک کردیم. (۶۴)
و موسی و همه کسانی را که با او بودند نجات دادیم. (۶۵)
و سپاه فرعون را غرق کردیم. (۶۶)
در این کار نشانه‌ای وجود دارد، ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند. (۶۷)
و خدای تو توانا و مهربان است. (۶۸)
و داستان ابراهیم را برای آن‌ها بخوان. (۶۹)
موقعی که به پدر و قومش گفت: چه چیزی را بندگی می‌کنید؟ (۷۰)
گفتند: بت‌هایی را می‌پرستیم و برای عبادت در خدمتشان هستیم. (۷۱)
ابراهیم گفت: آیا وقتی از آن‌ها کمک می‌خواهید، صدای شما را می‌شنوند؟ (۷۲)
یا نفعی یا ضرری به شما می‌رسانند؟ (۷۳)
گفتند: دیدیم که پدرانمان این کار را می‌کردند. (۷۴)
ابراهیم گفت: درباره آنچه که شما بندگی می‌کنید و پدرانتان بندگی می‌کردند چه نظری دارید؟ (۷۵)
و (۷۶)

آن‌ها دشمن من هستند، به‌جز صاحب‌اختیار مردم جهان. (۷۷)
آن که مرا خلق کرد، مرا هدایت می‌کند. (۷۸)
وجودی که به من غذا و آب می‌دهد. (۷۹)
و وقتی مریض شوم مرا شفا می‌دهد. (۸۰)
آن که جان مرا می‌گیرد و بعد مرا زنده می‌کند. (۸۱)
آن که امیدوارم روز جزا خطاهای مرا ببخشد. (۸۲)
خدایا، به من حکمت بده و مرا جزو افراد درستکار ساز. (۸۳)
و در میان امت‌های آینده مرا نیک‌نام گردان. (۸۴)
و مرا از وارثان بهشت پرنعمت گردان. (۸۵)
و پدرم را بیمارز، چون او گمراه است. (۸۶)
و روز قیامت مرا خوار نساز. (۸۷)
روزی که مال و فرزند فایده‌ای ندارد. (۸۸)
مگر کسی که دلی پاک پیش خدا بیاورد. (۸۹)
بهشت به پرهیزکاران نزدیک شده. (۹۰)
و جهنم برای گمراهان آشکار شده. (۹۱)
به آن‌ها گفته می‌شود: آنچه که غیر از خدا بندگی می‌کردید کجا هستند؟ آیا به شما یا خودشان کمک می‌کنند؟ (۹۲ و ۹۳)

معبودهای آن‌ها و گمراهان و لشکریان ابلیس همگی پشت سر هم دمر و به جهنم افکنده می‌شوند. (۹۴ و ۹۵)

و در حالی که با هم بحث می‌کنند می‌گویند: (۹۶)
به خدا قسم ما در گمراهی کاملاً معلومی بودیم، (۹۷)
وقتی شما را با صاحب‌اختیار مردم جهان مساوی می‌دانستیم، (۹۸)
فقط گناهکاران ما را منحرف کردند. (۹۹)
ما شفیع و دوست صمیمی که به ما کمک کند نداریم. (۱۰۰ و ۱۰۱)
اگر عمر دوباره‌ای داشته باشیم، فرد باایمانی خواهیم شد. (۱۰۲)
در این کار نشانه‌ای وجود دارد، ولی بیشتر آن‌ها ایمان نمی‌آورند. (۱۰۳)
و خداوند تو توانا و مهربان است. (۱۰۴)
قوم نوح هم پیغمبران را قبول نداشتند. (۱۰۵)
وقتی برادرشان نوح به آن‌ها گفت: آیا از خدا نمی‌ترسید؟ (۱۰۶)
من برای شما رسول امینی هستم، (۱۰۷)
از نافرمانی خدا بترسید و از من اطاعت کنید. (۱۰۸)
من از شما مزدی نمی‌خواهم، مزد من به عهده صاحب‌اختیار جهانیان است. (۱۰۹)
از نافرمانی خدا بترسید و از من اطاعت کنید. (۱۱۰)
گفتند: آیا به تو ایمان بیاوریم؟ در حالی که افراد اوباش از تو پیروی می‌کنند؟ (۱۱۱)
نوح گفت: من از کارهایی که می‌کنند اطلاع ندارم. (۱۱۲)
اگر توجه داشته باشید حساب آن‌ها با خدای من است. (۱۱۳)
من افراد باایمان را از خود نمی‌رانم. (۱۱۴)
من فقط بطور آشکار هشدار می‌دهم. (۱۱۵)
گفتند: ای نوح، اگر از این حرف‌ها دست برداری، سنگسار خواهی شد. (۱۱۶)
نوح گفت: خدایا، قوم من حرف من را قبول ندارند. (۱۱۷)
من و آن‌ها را از هم جدا کن، و مرا و افراد باایمانی را که با من هستند نجات بده. (۱۱۸)
ما او و کسانی را که با او در کشتی پر بودند نجات دادیم، (۱۱۹)
و بقیه را غرق کردیم. (۱۲۰)
در این کار نشانه‌ای وجود دارد، ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند. (۱۲۱)
خدای تو توانا و مهربان است. (۱۲۲)
قوم عاد هم پیغمبران را قبول نکردند. (۱۲۳)
وقتی برادرشان هود به آن‌ها گفت: آیا از نافرمانی خدا نمی‌ترسید؟ (۱۲۴)
من برای شما رسول امینی هستم، (۱۲۵)
از نافرمانی خدا بترسید و از من اطاعت کنید. (۱۲۶)
من از شما مزدی نمی‌خواهم، مزد من به عهده صاحب‌اختیار جهانیان است. (۱۲۷)
آیا بیهوده در هر جای بلندی نشانه‌ای می‌سازید؟ (۱۲۸)
و خانه‌ها و قلعه‌ها برای خود می‌سازید تا در دنیا همیشه بمانید؟ (۱۲۹)
و وقتی حمله می‌کنید ستمگرانه حمله می‌کنید؟ (۱۳۰) از نافرمانی خدا (از فساد و بی‌عدالتی)

بترسید و از من اطاعت کنید. (۱۳۱) و از خدایی بترسید که با آنچه که می‌دانید به شما کمک کرده،
 (۱۳۲) با چهارپایان و فرزند و باغ و چشمه به شما کمک کرده. (۱۳۳ و ۱۳۴) من بر شما از
 عذاب روز بزرگ می‌ترسم. (۱۳۵) **گفتند:** نصیحت بکنی یا نکنی برای ما مساوی است. (۱۳۶)
 این طبیعت امت‌های گذشته است. (۱۳۷)
 ما عذاب نخواهیم شد. (۱۳۸)
 او را به دروغ‌گویی متهم کردند، لذا ما آن‌ها را هلاک کردیم. در این کار نشانه‌ای وجود دارد،
 ولی بیشتر آن‌ها مؤمن نبودند. (۱۳۹)
 خدای تو توانا و مهربان است. (۱۴۰)
 قوم ثمود هم پیغمبران را به دروغ‌گویی متهم کردند. (۱۴۱)
 وقتی برادرشان صالح به آن‌ها گفت: آیا از نافرمانی خدا نمی‌ترسید؟ (۱۴۲)
 من رسول امینی برای شما هستم. (۱۴۳)
بنابراین از نافرمانی خدا بترسید و از من اطاعت کنید، (۱۴۴)
من از شما مزدی نمی‌خواهم، مزد من به عهده صاحب‌اختیار کلیه افراد بشر است. (۱۴۵)
 آیا شما را با خاطری جمع در اینجا به حال خود می‌گذارند؟ (۱۴۶)
 در باغ‌ها و چشمه‌ها و زراعت و نخل‌هایی که میوه‌هایش رسیده و نرم است. (۱۴۷ و ۱۴۸)
 و خانه‌هایی که با مهارت از کوه برای خود می‌تراشید؟ (۱۴۹)
از نافرمانی خدا بترسید و از من اطاعت کنید. (۱۵۰)
 و از دستور افراد متجاوز اطاعت نکنید. (۱۵۱)
از دستور متجاوزانی که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند. (۱۵۲)
 گفتند: حتماً تو را جادو کرده‌اند. (۱۵۳) تو آدمی مثل ما هستی، اگر راست می‌گویی معجزه‌ای
 بیاور. (۱۵۴)
 صالح به آن‌ها گفت: این يك شتر است که سهمی از آب دارد و شما هم در روز معلوم سهمی
 دارید. (۱۵۵)
 آزاری به او نرسانید چون دچار عذاب روزی بزرگ می‌شوید. (۱۵۶)
 ولی آن‌ها شتر را کشتند و بعد پشیمان شدند. (۱۵۷)
 در نتیجه دچار عذاب شدند. در این کار نشانه‌ای وجود دارد. بیشتر آن‌ها مؤمن نبودند. (۱۵۸)
 و خدای تو توانا و مهربان است. (۱۵۹)
 قوم لوط هم پیغمبران را تکذیب کردند. (۱۶۰)
 وقتی برادرشان لوط به آن‌ها گفت: آیا نمی‌ترسید؟ (۱۶۱)
 من رسول امینی برای شما هستم. (۱۶۲)
بنابراین از نافرمانی خدا بترسید و از من اطاعت کنید، (۱۶۳)
من از شما به‌خاطر رسالتم مزدی نمی‌خواهم، مزد من به عهده صاحب‌اختیار جهانیان است.
 (۱۶۴)
 آیا از بین تمام انسان‌ها سراغ مردها و پسرها می‌روید؟ (۱۶۵)
 و همسرانی را که خدا برایتان خلق کرده ترك می‌کنید؟ شما آدم‌های متجاوزی هستید. (۱۶۶)
 گفتند: ای لوط، اگر از این حرف‌ها دست برداری، اخراجت می‌کنیم. (۱۶۷)

لوط گفت: من از کار شما نفرت دارم. (۱۶۸)

خدایا، من و خانواده‌ام را از کارهایی که می‌کنند نجات بده. (۱۶۹)
ما او و همه خانواده‌اش را، غیر از زنی که جزو هلاک‌شدگان بود، نجات دادیم. (۱۷۰ و ۱۷۱)
و دیگران را نابود کردیم. (۱۷۲)

بارانی بر آن‌ها بارانندیم که هشدارش به آن‌ها داده شده بود. باران بدی بود. (۱۷۳)
در این کار نشانه‌ای است، ولی بیشتر آن‌ها به آن ایمان نداشتند. (۱۷۴)
خدای تو توانا و مهربان است. (۱۷۵)

اصحاب «ایکه» نیز پیغمبران را تکذیب کردند. (۱۷۶)
وقتی شعیب به آن‌ها گفت: آیا از اطاعت نکردن دستورهای خدا نمی‌ترسید؟ (۱۷۷)
من رسول امینی برای شما هستم. (۱۷۸)

بنابراین از نافرمانی خدا بترسید و از من اطاعت کنید، (۱۷۹)
من از شما مزدی نمی‌خواهم، مزد من به عهده صاحب‌اختیار جهانیان است. (۱۸۰)
پیمانه را کامل بدهید و کم‌فروشی نکنید، (۱۸۱)

و با ترازوی درست وزن کنید، (۱۸۲)
و جنس مردم را کم ندهید و در زمین فساد نکنید. (۱۸۳)
و از نافرمانی خدایی که شما و افراد قبل از شما را آفرید بترسید. (۱۸۴)

گفتند: تو جادو شده‌ای. (۱۸۵)
تو آدمی مثل ما هستی. فکر می‌کنیم که تو دروغ‌گویی. (۱۸۶)
اگر راست می‌گویی، تکه‌هایی از آسمان را بر سر ما بیانداز. (۱۸۷)
شعیب گفت: خدای من از کارهایی که می‌کنید بهتر از همه اطلاع دارد. (۱۸۸)
بنابراین حرف‌های او را باور نکردند. لذا دچار عذاب روز ابری شدند. واقعاً آن عذاب روزی
بزرگ بود. (۱۸۹)

در این کار نشانه‌ای وجود داشت، ولی بیشتر آن‌ها مؤمن نبودند. (۱۹۰)
و خدای تو توانا و مهربان است. (۱۹۱)
نزول قرآن از طرف صاحب‌اختیار تمام افراد بشر است. (۱۹۲)
جبرئیل آن را به زبان عربی روشن (واضح) بر قلب تو نازل کرده تا از هشداردهندگان باشی.
(۱۹۳ تا ۱۹۵)

در کتاب‌های گذشتگان نیز بوده است. (۱۹۶)
آیا چون علمای بنی‌اسرائیل آن را می‌دانند برای آن‌ها علامتی نیست؟ (۱۹۷)
اگر آن را بر بعضی از افراد غیر عرب نازل می‌کردیم، (۱۹۸)
و پیغمبر آن را برای آن‌ها می‌خواند، به آن ایمان نمی‌آوردند. (۱۹۹)
ما آن را این‌طور وارد قلب افراد گناهکار می‌کنیم. (۲۰۰)
گناهکاران به آن ایمان نمی‌آورند تا موقعی که عذاب دردناک را ببینند. (۲۰۱)
عذاب ناگهانی بر آن‌ها وارد می‌شود و آن‌ها متوجه آمدن آن نمی‌شوند. (۲۰۲)
وقتی آمد، می‌گویند: آیا مهلتی به ما داده می‌شود؟ (۲۰۳)
آیا می‌خواهند عذاب ما زودتر سراغ آن‌ها بیاید؟ (۲۰۴)

بگو: اگر ما سال‌هایی آن‌ها را بهره‌مند سازیم، (۲۰۵)
و عذابی که به آن‌ها وعده داده شده برای آن‌ها بیاید، (۲۰۶)
چیزهایی که از آن بهره‌مند بودند، کاری برای آن‌ها نمی‌کند. (۲۰۷)
هر شهری را که هلاک کردیم، هشداردهندگانی داشت، (۲۰۸)
که به آن‌ها تذکر بدهند. ما ظالم نبوده‌ایم. (۲۰۹)
قرآن را شیاطین نازل نکرده‌اند، (۲۱۰)
سزاوار آن‌ها هم نیست که چنین کاری بکنند، و نمی‌توانند بکنند. (۲۱۱)
آن‌ها از شنیدن آن محروم هستند. (۲۱۲)
(ای پیغمبر،) با خدا معبود دیگری را نخوان، چون از کسانی می‌شوی که دچار عذاب شده‌اند. (۲۱۳)
به خویشان نزدیک خود هشدار بده، (۲۱۴)
و بال فروتنی را برای مؤمنینی که از تو پیروی می‌کنند فرود آور (با آن‌ها مهربان باش). (۲۱۵)
اگر از تو اطاعت نکردند، بگو: من از کارهایی که می‌کنید بیزارم. (۲۱۶)
و به خداوند توانا و مهربان توکل کن. (۲۱۷)
خدایی که تو را موقعی که برمی‌خیزی و آمدن و رفتن تو را هم در میان سجده‌کنندگان می‌بیند. (۲۱۸ و ۲۱۹)
چون او شنوا و دانا است. (۲۲۰)
آیا به شما خبر بدهم که شیاطین بر چه کسانی نازل می‌شوند؟ (۲۲۱)
آن‌ها بر هر دروغگوی گناه‌کاری نازل می‌شوند، (۲۲۲)
که به شیاطین گوش می‌دهند و بیشتر آن‌ها دروغگو هستند. (۲۲۳)
گمراهان از شاعران پیروی می‌کنند. (۲۲۴)
آیا نمی‌بینی که آن‌ها در هر وادی سرگردان هستند، (۲۲۵)
و حرف‌هایی می‌زنند که عمل نمی‌کنند؟ (۲۲۶)
مگر شاعرهایی که ایمان آوردند و کار درست کردند و زیاد خدا را یاد کردند و پس از این‌که
مورد ظلم قرار گرفتند، کمک خواستند، و ظلم‌کنندگان خواهند دانست به کجا برگردانده می‌شوند. (۲۲۷)